

دو مجموعه نیمه کاره و پخش نشده دارم

داشته باشم، با توجه به اینکه قرار بود سعید آقاخانی این سریال را بسازد ولی انصراف داد، چون پیشنهاد همکاری در این سریال را هم آقای آقاخانی به من دادند طبیعتاً با انصراف ایشان در آن پروژه حضور ندارم. به گزارش برنا، سریال «آسمان هوای باران دارد» با کارگردانی شهرام شاه حسینی و تهیه‌کنندگی امیر پوررحمانی که در سال گذشته تولید آن شروع شده بود، قرار بود در فروردین ماه روی آنتن تلویزیون بیرون، اما به گفته گلچین نیمه‌کاره مانده است.



تلویزیون مانده است. وی درباره اینکه این دو سریال در چه وضعیتی هستند گفت: هنوز ۱۵ تا ۲۰ جلسه از فیلمبرداری سریال «آسمان هوای باران دارد» مانده است ولی سریال «آرماندو» تمام شده است. در پایان گلچین درباره فعالیت‌های آینده‌اش توضیح داد: پیشنهاد جدید کاری در زمینه تئاتر زیاد دارم که در حال بررسی آن‌ها هستم، اما در زمینه تصویر فعال پیشنهادی ندارم. قرار بود در سریال «خوب، بد، جلف» حضور

مرحانه گلچین بازیگر تلویزیون درباره آخرین فعالیت‌های تلویزیونی خود گفت: در حال حاضر سریال «آسمان هوای باران دارد» نیمه‌کاره مانده است و به خاطر بدهی سازمان صدا و سیما فعلاً متوقف شده است. سریال «آرماندو» هم به دلیل مشکلات مالی سازمان همین مشکل را دارد و فعلاً پخش نشده است. قاعدتاً هر دو کار تا الان باید پخش می‌شد، مخصوصاً «آسمان هوای باران دارد» که هنوز درگیر و دار مسائل مالی

هادی مرزبان:**برخی بدون شناخت می‌گویند
اصلاً درام ایرانی نداریم**

رنالیسم اکبر رادی به نظرم یک رئالیسم خاص بود. رادی را چخوف ایران نامیدند اما من همیشه گفته‌ام او فقط «چخوف» ایران نبود؛ رادی میلر ایران و ایبسن ایران هم بود

من باز اسمال به طرف زنده‌یاد رادی رفته‌ام و انشاءالله که بتوانم روسفید باشم. ما سعی خودمان را کردیم و مطمئنم این «آمیز قلمدون» با «آمیز قلمدون» دو دهه پیش که روی صحنه بردم، فرق می‌کند چون امروز من خودم به آمیز قلمدون نزدیک‌ترم

مرزبان که قرار است به زودی نمایش «آمیز قلمدون» به نویسندگی اکبر رادی را روی صحنه ببرد، با اشاره به اجرای دوباره این متن بعد از کتابخانه ملی را پنهانگی می‌یابد که می‌تواند نوید نظریه‌پرداز روشنفکری است که حال برای امرام معاش و رفیع حوائج اولیه بشری نیازمند وارد شدن به بازار کاری است که اصل اساسی و بنیادین آن دروغویی، کلابرداری، اجحاف حقوق دیگری و قلدری است و قهرمان قصه برای این منظور آموزشی ندیده و با وجود تلاش‌های فراوان در هیچ‌کدام از مشاغل کنایه‌ی موفق نبوده است. اکنون قهرمان داستان با کوله‌باری از ارزش‌های رنگ‌باخته در میان افرادی قرار می‌گیرد که ضد ارزش‌ها در سزیم زندگی‌ها فرماترایی می‌کنند. مصرف‌گرایی، سرمایه‌داری، شعار هر چه بیشتر، بهتر، هر کس دارتر محترم‌تر، قهرمان داستان را دچار روانپریشی و سردرگمی می‌کند، حدیث نفس‌هایش افزایش می‌یابد، دعوای‌های درونی‌اش از سر گرفته می‌شود، همواره عصبانی است اما اجازه بروز تنش‌ها را به خویش‌نم نداده است تا در نگاه دیگران موجه به نظر رسد. مقدار قرص‌های مصرفی را بالا می‌برد؛ اما این تکانش‌های درونی دست از سر ارزش‌دوست وی بر نمی‌دارد و اینجاست که وی از عصبانیت منفرج می‌شود؛ ترکش‌های این انفجار تمامی افراد مرتبط با وی را درگیر می‌کند و تنها ملجأ دیوار نصب شده است. این کار ماندند پرده‌هایی است که در پرده‌خوانی‌های ایرانی انجام می‌شود و نقاشی برای روایت یک دوره از مجموعه در ادامه دو نمایش قبلی من شکل گرفته است که همگی براساس یک مجموعه عکس قدیمی از شهر کوچک ورسک شکل گرفته‌اند. این عکس‌ها متعلق به عمه من بود و جذایبیتی که برایم داشتند، باعث شد این سه‌گانه شکل بگیرد. او درباره تأثیر عکس‌های قدیمی بر نقاشی‌هایش گفت: در مجموعه اول فیگور انسان در فضای کوه، جدا و دیده نمی‌شد. در مجموعه دوم بیشتر شکل‌هایی مانند حججهای بتنی که لایه‌های کوه قرار دارند دیده می‌شد. این حججهای شبیه آرامگاه یا بناهایی هستند که زمانی ارزش کاربرد داشته اما حالا بدون استفاده مانده‌اند. اما در مجموعه جدید موضوع



خوبی و خوشی و بی‌هیچ دغدغه‌ای بگذرانند؟ این کارگردان تئاتر خاطرنشان کرد: بخش زیادی از مردم و بازنشسته‌های‌مان همین مسئله را دارند چون خواسته‌اند خوب و پاک زندگی کنند و چون خواسته‌اند وقتی شب سرشان را زمین می‌گذارند راحت بخوابند، امروز با گرفتاری‌های زیادی مواجه هستند. یک کارمند هرچه درآمد دارد باید بدهد برای اجاره خانه. این زندگی چطور می‌شود؟ مرزبان با بیان اینکه «اگر سی سال پیش این دغدغه اکبر رادی بوده، امروز همین مسائل بسیار پررنگ‌تر و همه‌گیرتر شده است» گفت: فقط مبلغ رشوه و پول‌هایی که رد و بدل می‌شود زیادتر شده است. او خاطرنشان کرد: من باز امسال به طرف زنده‌یاد رادی رفته‌ام و انشاءالله که بتوانم روسفید باشم، ما سعی خودمان را کردیم و مطمئنم ایبن «آمیز قلمدون» با «آمیز قلمدون» دو دهه پیش که روی صحنه بردم، فرق می‌کند چون امروز من خودم به آمیز قلمدون نزدیک‌ترم.

اصول درمی‌آورند و خیال می‌کنند فقط خودشان رفته‌اند خسارج و فقط خودشان آن کتاب‌ها و نمایشنامه‌های خارجی را خوانده‌اند. بعد هم خیلی زود مقهور غرب می‌شوند و خیال می‌کنند همه‌چیز برای آنهاست. درحالی‌که هیچ شناختی نسبت به خودمان ندارند فقط بلدند بگویند ما اصلاً درام ایرانی نداریم! خیلی بد است که یک استاد چنین حرفی بزند. او با اشاره به اینکه متن «آمیز قلمدون» با اینکه نزدیک به سی سال از نگاشته شدنش گذشته است اما با امروز جامعه ایرانی تطبیق دارد، گفت: رادی در «آمیز قلمدون» به گونه‌ای دارد صداقت و پاکی را محاکمه می‌کند و این را مطرح می‌کند که آیا آدم باید زندگی آقای «شکوهی» را داشته باشد و یک عمر سعی کند پاک قرمز نگذارد! اما تا آخر عمر با بدبختی زندگی کند و بمیرد یا اینکه اگر امکان کسب درآمد نامشروع و نادرست را دارد سراغش برود و آخر عمر را در پاریس و رم و به خوبی و خوشی و بی‌هیچ دغدغه‌ای بگذرانند؟

عمری با بدبختی زندگی کند و بمیرد یا اینکه اگر امکان کسب درآمد نامشروع و نادرست را دارد سراغش برود و آخر عمر را در پاریس و رم و به خوبی و خوشی و بی‌هیچ دغدغه‌ای بگذرانند؟

عینی نشان داده نمی‌شود اما بناهایی که شبیه آرامگاه هستند و گل‌هایی که آنجا قرار دارد به مفهوم یادآورن یک شخص از دست رفته است. پیروی ادامه داد: بیشتر رنگ‌های به کار رفته در این مجموعه شامل خاکستری‌های رنگی است اما کوه‌ها رنگ گرم و نخودی دارند و شبیه کوه‌های موجود در نگارگری ایرانی هستند. به گزارش هنرانلان، نمایشگاه آثار دربرگرفت البته در این مجموعه در این مراسم می‌کند و در این فضاها از واقعیت دور شده‌اند. خیالی شدن فضا درباره اجسام و بناها هم صدق می‌کند و مخاطب نمی‌تواند در آنها به دنبال چیز مشخص یا آشنایی بگردد. در این مجموعه فیگور انسان وجود ندارد اما حضور او را می‌توان در حججهای بتنی و سیمانی که دست‌ساخته‌های او هستند، حس کرد. او درباره پایان این سه‌گانه گفت: احساس می‌کنم این مجموعه به پایان رسیده است. عمه من از او وجود داشت به این شکل نمایان شد. بخش اول دوره جوانی، بخش دوم مسیر زندگی و بخش سوم مرگ او را نشان می‌دهد. عمه من در این مجموعه مرگ به شکل

رولینگ و هیولاها شگفت انگیز ۳

"جی کی رولینگ" فیلم‌نامه‌نویس مطرح سینمایی جهان که به خاطر مجموعه فیلم‌های "هری پاتر" و "تروت" موفقیت فراوانی را به دست آورده بود این بار با فیلمی تازه خوش درخشیده است. وی که به تازگی در شرف اکران دومین نسخه از فیلم "هیولاهای شگفت‌انگیز و زیستگاه آنها" قرار دارد از شروع نگارش قسمت سوم این فیلم سینمایی پر فروش خبر داده است. در این فیلم که به همت کمپانی "پرادار وانر" ساخته خواهد شد، کالوم ترنز در نقش برادر نقش اصلی این فیلم یعنی "ادی ردمایر" به ایفای نقش خواهد پرداخت. نگارش فیلم‌نامه اثر را مثل نسخه اول، "جی کی رولینگ" خالق هری پاتر به عهده داشته و "یویودیتس" کارگردانی آن را به عهده خواهد داشت. در این فیلم علاوه بر جسیکا ویلیامز بازیگران بزرگی همچون، جانی دپ، کلوم ترنز، جود لائو، ادی ردمایر، آریا میلر و زوی کرابویتز به ایفای نقش می‌پردازند. به گزارش میزان، سال ۱۹۲۶ میلادی، جانورشناس و جادوگر کتچکو با چمدانی پر از موجودات عجیب و غریب وارد نیویورک می‌شود که به سرعت از چمدان او فرار می‌کنند. فیلم فانتزی «جانوران شگفت‌انگیز و زیستگاه آنها» براساس کتاب جوان جورولینگ، نویسنده شهیر بریتانیایی، اولین بخش از یک مجموعه پنج قسمتی است که داستان آن هفتاد سال پیش از ماجراهای هری پاتر روی می‌دهد.

تقدیر موزه فیلم آمریکا از جرج کلونی

جرج کلونی بامداد جمعه به‌وقت ایران مراسم در دالبی تیت‌ر درهایلوود جایزه یک عمر دستاورد موزه فیلم آمریکا را دریافت کرد. بازیگر، فیلم‌نامه‌نویس، کارگردان و تهیه‌کننده برنده اسکار چهل و ششمین دریافت‌کننده این جایزه است. کلونی ۵۷ ساله پس از دریافت جایزه موزه فیلم آمریکا گفت: عشق می‌کنم که بخشی از این صنعت هستم. به تغییراتی که در این صنعت می‌بینم افتخار می‌کنم. این تغییرات خیلی زودتر از این‌ها باید صورت می‌گرفت. کلونی همچنین از پدر و مادر و همسرش امل کلونی تشکر کرد. قرار بود جایزه یک عمر دستاورد را جولیا رابرتز - همبازی کلونی در فیلم‌های "یازده یار اوشن" و "هیولای پول" - به او اعطاء کند. اما رابرتز به خاطر مداخل کاری نتوانست در مراسم شرکت کند. در عوض شرلی مک‌لین که در نسخه اول "یازده یار اوشن" بازی کرد و خودش در ۲۰۱۲ از سوی AFI تقدیر شده، این جایزه را به کلونی داد. به گزارش هنرانلان به نقل ازهایلوود ریپورتر، بیل موری، دایان کیتن، نیک کلونی پدر جرج کلونی که قبلاً کاراشگر تلویزیون بود، هورد استرینگر رئیس هیئت‌امانی موزه فیلم آمریکا، جنیفر اینسنس، کورتنی کاکس، جولیانا مارگولیس، نایم، گلادو پر جودی فاستر کلونی، آنا کندی و ریچارد کاینر، جزو چهره‌هایی بودند که در این مراسم درباره کلونی صحبت کردند.

جنایت و کشتار در هتل معروف آرتمیس

"جودی فاستر" بازیگر مطرح و قدیمی سینمای‌هایلوود این بار با فیلمی در ژانر جنایی، اکشن و رمزآلود با نام هتل آرتمیس به سینماهای جهان باز خواهد گشت. فاستر جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را در سال ۱۹۸۸ برای بازی در فیلم متهم دریافت کرد. او با درخشش در فیلم سکوت بره‌ها در نقش کلاریس استارلینگ، یک مأمور اف‌بی‌آی، که به‌دنبال افزایش راز چند قتل زنجیرهای بود، تحسین منتقدان بین‌المللی را برانگیخت و دومین جایزه اسکار خود را به‌عنوان بازیگر نقش اول زن دریافت کرد و حالا این بار در فیلم سینمایی "هتل آرتمیس" حضور دارد تا باز هم در این عرصه هنرنامه‌ی کند. فیلم سینمایی "هتل آرتمیس" به کارگردانی "درو پریس" اکران بین‌المللی خود با بازی جودی فاستر در سینماهای آمریکای شمالی را از فردا آغاز خواهد کرد. درو پریس علاوه بر کارگردانی نویسنده‌ی فیلم‌نامه این اثر را نیز بر عهده داشته است. کارگردان این فیلم پیش از این در نقش فیلم‌نامه‌نویس فعالیت‌های مختلف و مطرحی را داشته است. از جمله فیلم‌نامه‌های مطرحی که پریس نگارش آنها را بر عهده داشته می‌توان به دو فیلم "مأموریت غیرممکن" و "مرد آهنی ۳" اشاره کرد. به گزارش میزان، علاوه بر جودی فاستر بازیگرانی همچون "سوفیا بوتلا"، "دیو پاپیتستا"، "جنی اسلیت" و... در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

«هری پاتر» به برادوی بازمی‌گردد

در حالی که نمایش «هری پاتر و بچه نفرین‌شده» هنوز یکی از پررونق‌ترین نمایش‌های برادوی است، دانیل رادکلیف بازیگرش که نخستین بار چهره هری پاتر پسرک جادوگر را تصویر کرد، برای ایفای یک نقش تئاتری به برادوی می‌رود. به گزارش ایسکانیوز از ورایتی، بازیگر پیشین نقش هری پاتر برای نمایشی با عنوان «طول عمر یک واقعیت» که درباره مقاله جنجالی جان داگاتا درباره خودکشی یک نوجوان است، روی صحنه می‌رود.

**عصبانی نیستم!****هاجر فیضی**

کارگردان، رضا ذرمیشیان گرچه خواسته که ستاره جوادی را شخصیت تأثیرگذاری در زندگی نوید نشان دهد؛ اما بیشتر از ستاره جوادی شخصیت منفعل و باری به هر جهتی خلق کرده است که حتی از پایبندی به شعارهای اصلاح‌طلبانه و سوختن و ساختن برای زندگی مشترک تا حدود زیادی دست می‌کشد. پدر ستاره، آقای جوادی نیز - که رضا بهبودی ایفاگر نقش وی است - با وجود اینکه خود از یادویی به مال و منالی رسیده، باز سعی در حذف نوید و قهرمان‌بازی‌هایش در زندگی دخترش ستاره دارد.

نمادهایی که در سکانس‌های متعدد فیلم در شکل‌گیری میزانش‌های معناگرا تأثیرگذار بوده‌اند، ذکیر نکوند: پوستری بر سردرد اتاق نوید که سعی می‌کند از کچرفتاری‌های افراد جامعه عصبانی نباشد- نصب است و آن بدین مضمون است: **!War is over** «جنگ به پایان رسیده».

نوید هر روز جلو درب اصلی دانشگاه تهران، در حالی که به ویتترین کتاب‌فروشی تکیه داده، چشم به راه رسیدن ستاره است و عنوان کتاب پشت ویتترین «سکه‌های دانشگاهی» است که به کنایه آرمان‌های بریاد رفته‌ی نوید و ستاره، سکه‌هایی است که از رواج و رونق افتاده است. دانشگاهی که متفکرش نوید - را پس می‌زند، دیگر برای وی مأمون و محل رسیدن به آمل روشنفکرانه‌اش نیست. وی به همراه نامزدش کتابخانه ملی را پنهانگی می‌یابد که می‌تواند نوید نظریه‌پرداز روشنفکری است که حال برای امرام معاش و رفیع حوائج اولیه بشری نیازمند وارد شدن به بازار کاری است که اصل اساسی و بنیادین آن دروغویی، کلابرداری، اجحاف حقوق دیگری و قلدری است و قهرمان قصه برای این منظور آموزشی ندیده و با وجود تلاش‌های فراوان در هیچ‌کدام از مشاغل کنایه‌ی موفق نبوده است. اکنون قهرمان داستان با کوله‌باری از ارزش‌های رنگ‌باخته در میان افرادی قرار می‌گیرد که ضد ارزش‌ها در سزیم زندگی‌ها فرماترایی می‌کنند.

مصرف‌گرایی، سرمایه‌داری، شعار هر چه بیشتر، بهتر، هر کس دارتر محترم‌تر، قهرمان داستان را دچار روانپریشی و سردرگمی می‌کند، حدیث نفس‌هایش افزایش می‌یابد، دعوای‌های درونی‌اش از سر گرفته می‌شود، همواره عصبانی است اما اجازه بروز تنش‌ها را به خویش‌نم نداده است تا در نگاه دیگران موجه به نظر رسد. مقدار قرص‌های مصرفی را بالا می‌برد؛ اما این تکانش‌های درونی دست از سر ارزش‌دوست وی بر نمی‌دارد و اینجاست که وی از عصبانیت منفرج می‌شود؛ ترکش‌های این انفجار تمامی افراد مرتبط با وی را درگیر می‌کند و تنها ملجأ دیوار نصب شده است. این کار ماندند پرده‌هایی است که در پرده‌خوانی‌های ایرانی انجام می‌شود و نقاشی برای روایت یک دوره از مجموعه در ادامه دو نمایش قبلی من شکل گرفته است که همگی براساس یک مجموعه عکس قدیمی از شهر کوچک ورسک شکل گرفته‌اند. این عکس‌ها متعلق به عمه من بود و جذایبیتی که برایم داشتند، باعث شد این سه‌گانه شکل بگیرد. او درباره تأثیر عکس‌های قدیمی بر نقاشی‌هایش گفت: در مجموعه اول فیگور انسان در فضای کوه، جدا و دیده نمی‌شد. در مجموعه دوم بیشتر شکل‌هایی مانند حججهای بتنی که لایه‌های کوه قرار دارند دیده می‌شد. این حججهای شبیه آرامگاه یا بناهایی هستند که زمانی ارزش کاربرد داشته اما حالا بدون استفاده مانده‌اند. اما در مجموعه جدید موضوع

عینی نشان داده نمی‌شود اما بناهایی که شبیه آرامگاه هستند و گل‌هایی که آنجا قرار دارد به مفهوم یادآورن یک شخص از دست رفته است. پیروی ادامه داد: بیشتر رنگ‌های به کار رفته در این مجموعه شامل خاکستری‌های رنگی است اما کوه‌ها رنگ گرم و نخودی دارند و شبیه کوه‌های موجود در نگارگری ایرانی هستند. به گزارش هنرانلان، نمایشگاه آثار دربرگرفت البته در این مجموعه در این مراسم می‌کند و در این فضاها از واقعیت دور شده‌اند. خیالی شدن فضا درباره اجسام و بناها هم صدق می‌کند و مخاطب نمی‌تواند در آنها به دنبال چیز مشخص یا آشنایی بگردد. در این مجموعه فیگور انسان وجود ندارد اما حضور او را می‌توان در حججهای بتنی و سیمانی که دست‌ساخته‌های او هستند، حس کرد. او درباره پایان این سه‌گانه گفت: احساس می‌کنم این مجموعه به پایان رسیده است. عمه من از او وجود داشت به این شکل نمایان شد. بخش اول دوره جوانی، بخش دوم مسیر زندگی و بخش سوم مرگ او را نشان می‌دهد. عمه من در این مجموعه مرگ به شکل

عینی نشان داده نمی‌شود اما بناهایی که شبیه آرامگاه هستند و گل‌هایی که آنجا قرار دارد به مفهوم یادآورن یک شخص از دست رفته است. پیروی ادامه داد: بیشتر رنگ‌های به کار رفته در این مجموعه شامل خاکستری‌های رنگی است اما کوه‌ها رنگ گرم و نخودی دارند و شبیه کوه‌های موجود در نگارگری ایرانی هستند. به گزارش هنرانلان، نمایشگاه آثار دربرگرفت البته در این مجموعه در این مراسم می‌کند و در این فضاها از واقعیت دور شده‌اند. خیالی شدن فضا درباره اجسام و بناها هم صدق می‌کند و مخاطب نمی‌تواند در آنها به دنبال چیز مشخص یا آشنایی بگردد. در این مجموعه فیگور انسان وجود ندارد اما حضور او را می‌توان در حججهای بتنی و سیمانی که دست‌ساخته‌های او هستند، حس کرد. او درباره پایان این سه‌گانه گفت: احساس می‌کنم این مجموعه به پایان رسیده است. عمه من از او وجود داشت به این شکل نمایان شد. بخش اول دوره جوانی، بخش دوم مسیر زندگی و بخش سوم مرگ او را نشان می‌دهد. عمه من در این مجموعه مرگ به شکل

عینی نشان داده نمی‌شود اما بناهایی که شبیه آرامگاه هستند و گل‌هایی که آنجا قرار دارد به مفهوم یادآورن یک شخص از دست رفته است. پیروی ادامه داد: بیشتر رنگ‌های به کار رفته در این مجموعه شامل خاکستری‌های رنگی است اما کوه‌ها رنگ گرم و نخودی دارند و شبیه کوه‌های موجود در نگارگری ایرانی هستند. به گزارش هنرانلان، نمایشگاه آثار دربرگرفت البته در این مجموعه در این مراسم می‌کند و در این فضاها از واقعیت دور شده‌اند. خیالی شدن فضا درباره اجسام و بناها هم صدق می‌کند و مخاطب نمی‌تواند در آنها به دنبال چیز مشخص یا آشنایی بگردد. در این مجموعه فیگور انسان وجود ندارد اما حضور او را می‌توان در حججهای بتنی و سیمانی که دست‌ساخته‌های او هستند، حس کرد. او درباره پایان این سه‌گانه گفت: احساس می‌کنم این مجموعه به پایان رسیده است. عمه من از او وجود داشت به این شکل نمایان شد. بخش اول دوره جوانی، بخش دوم مسیر زندگی و بخش سوم مرگ او را نشان می‌دهد. عمه من در این مجموعه مرگ به شکل

عینی نشان داده نمی‌شود اما بناهایی که شبیه آرامگاه هستند و گل‌هایی که آنجا قرار دارد به مفهوم یادآورن یک شخص از دست رفته است. پیروی ادامه داد: بیشتر رنگ‌های به کار رفته در این مجموعه شامل خاکستری‌های رنگی است اما کوه‌ها رنگ گرم و نخودی دارند و شبیه کوه‌های موجود در نگارگری ایرانی هستند. به گزارش هنرانلان، نمایشگاه آثار دربرگرفت البته در این مجموعه در این مراسم می‌کند و در این فضاها از واقعیت دور شده‌اند. خیالی شدن فضا درباره اجسام و بناها هم صدق می‌کند و مخاطب نمی‌تواند در آنها به دنبال چیز مشخص یا آشنایی بگردد. در این مجموعه فیگور انسان وجود ندارد اما حضور او را می‌توان در حججهای بتنی و سیمانی که دست‌ساخته‌های او هستند، حس کرد. او درباره پایان این سه‌گانه گفت: احساس می‌کنم این مجموعه به پایان رسیده است. عمه من از او وجود داشت به این شکل نمایان شد. بخش اول دوره جوانی، بخش دوم مسیر زندگی و بخش سوم مرگ او را نشان می‌دهد. عمه من در این مجموعه مرگ به شکل

عینی نشان داده نمی‌شود اما بناهایی که شبیه آرامگاه هستند و گل‌هایی که آنجا قرار دارد به مفهوم یادآورن یک شخص از دست رفته است. پیروی ادامه داد: بیشتر رنگ‌های به کار رفته در این مجموعه شامل خاکستری‌های رنگی است اما کوه‌ها رنگ گرم و نخودی دارند و شبیه کوه‌های موجود در نگارگری ایرانی هستند. به گزارش هنرانلان، نمایشگاه آثار دربرگرفت البته در این مجموعه در این مراسم می‌کند و در این فضاها از واقعیت دور شده‌اند. خیالی شدن فضا درباره اجسام و بناها هم صدق می‌کند و مخاطب نمی‌تواند در آنها به دنبال چیز مشخص یا آشنایی بگردد. در این مجموعه فیگور انسان وجود ندارد اما حضور او را می‌توان در حججهای بتنی و سیمانی که دست‌ساخته‌های او هستند، حس کرد. او درباره پایان این سه‌گانه گفت: احساس می‌کنم این مجموعه به پایان رسیده است. عمه من از او وجود داشت به این شکل نمایان شد. بخش اول دوره جوانی، بخش دوم مسیر زندگی و بخش سوم مرگ او را نشان می‌دهد. عمه من در این مجموعه مرگ به شکل

کمپین هنرمندان برای نجات کودک بیمار

برای نجات جان کارتر سرکار که از سندرم سن فیلیپو که به‌عنوان ال‌ایمر کودکان شناخته می‌شود رنج می‌برد، شماری از هنرمندان مطرح گرد هم آمدند. جک پایتو، چک بلیک، سیدنی پواتیه، سلنا گومز، جونا هیل، جنی لسی کورتیس، کیت مارا و... از جمله این هنرمندان هستند. ویدیویی تاثیرگذار با عنوان «آخرین شانس برای نجات زندگی پسر ۳ ال‌ایمر کودکی» شامل تصاویری است که پدر این کودک با چشمانی اشک‌بار درباره بیماری فرزندش منتشر کرده است. وی در این ویدیو توضیح می‌دهد که خانواده چهار نفره آنها شامل همسرش، دخترش سوفیا و کارتر پسرش با بیماری‌ای که این پسر شش ساله به آن مبتلا شده، چه آینده‌ای پیش رو دارند. از ۷۰ هزار بچه، یک نفر احتمال ابتلا به این بیماری را دارد که به اعصاب حمله می‌کند. این بیماری دو تا شش سال پیش از این که دیگران